پنجره

نقش جهان در انتظار مرگ تدریجی

خطر حذف «نقش جهان» از فهرست آثار جهانی

محمد قاسمی / اصفهان

■ میدان تاریخی «نقش جهان» (میدان امام) یکی از زیباترین میدان‌های تاریخی ایران و جهان به شمار می‌رود که بازدیدکنندگان بسیاری را از سراسر جهان به سمت خود فرا می‌خواند اما برخی بی‌توجهی‌ها برای عبور مترو از زیر این میدان تاریخی این اثر را در خطر مرگ تدریجی قرار می‌دهد. میدان تاریخی «نقش جهان» از جمله بناهای تاریخی دارای ثبت جهانی است که تاکنون مورد بی‌مهری‌های زیادی قرار گرفته و برخی از مسوولان اصفهانی که روشن نیست آگاهانه یا از سر بی‌آگاهی این بنای تاریخی و هویت تاریخی آن را به زیر سوال می‌برند. چنانچه شهرداری اصفهان در چند سال پیش با ساخت برج عظیمی در برابر این میدان تاریخی زمینه‌ای برای از فهرست جهانی خارج شدن این بنا را فراهم کرد و پس از آن با پیگیری باعث شد تا جهان‌نما در برابر «نقش جهان» کوتاه بیاید.

اما اکنون نیز عبور مترو از زیر میدان «نقش جهان» موضوعی است که دوباره ترس و نگرانی خاصی را برای دوستداران عرصه میراث فرهنگی ایجاد کرده؛ ترسی که شاید این بار به راستی تخریب و حذف این میدان تاریخی را به همراه داشته باشد. هر چند مسوولان شهرداری اصفهان و شورای شهر در گفت‌وگوهای خود چندین بار اعلام کرده‌اند که در حال حاضر عبور مترو شرقی – غربی اصفهان در اولویت نیست اما متاسفانه بعضا شاهد این موضوع بوده‌ایم که پس از شروع کار موضوعی خلاف این واقعه را شاهد بوده‌ایم.

در این خصوص باید به سخنان رییس شورای شهر اصفهان در مهرماه سال ۱۳۸۹ (در میزگرد تخصصی شهر تاریخی اصفهان در افق توسعه پایدار که به همت خبرگزاری‌های مهر، ایلنا و ایسنا برگزار شد) اشاره کرد که اظهار داشت: خط شرق و غرب مترو اصفهان مصوب ۱۲ سال پیش شورای‌عالی ترافیک کشور است و طرحی مصوب است اما باید در این خصوص ابتدا کار کارشناسی و سپس طرح را اجرایی کرد. وی با اشاره به عبور مترو از کنار ابنیه تاریخی فرانسه اظهار داشت: یونسکو چنین امری را در آن زمان پذیرفته است. «حاج‌رسولی‌ها» با اشاره به حساسیت‌های ایجادشده برای عبور مترو از زیر میدان امام گفت: در این مسیر مسجد جامع نیز وجود دارد که دارای قدمتی بیش از میدان امام است و در حال حاضر تردد اتوبوس‌ها در چهارباغ و میدان امام خسارت بیشتری دارد. رییس شورای شهر اصفهان اظهار داشت: برای حذف مترو مشکلی نداریم ولی باید این موضوع را تصمیم‌گیران از ما بخواهند.

محور شرقی – غربی در اولویت نیست

درخصوص عبور مترو از زیر میدان «نقش جهان» سخنگوی شورای شهر اصفهان به مهر گفت: مطالعاتی درخصوص عبور مترو از محور خیابان حافظ و سپاه انجام شده اما آنچه در حال حاضر در اولویت است خطی است که شرق اصفهان را از طریق خیابان حمزه به جنوب اصفهان مرتبط می‌کند. «بوالفضل قربانی» افزود: در حال حاضر موارد و خطوط دیگر مترو اصفهان در حال بررسی است و در صورتی که قرار باشد اقدامی انجام دهیم به طور حتم همه جنبه‌های قانونی کار را دنبال خواهیم کرد.

وی همچنین درخصوص اینکه آیا این خط مصوبه شورای‌عالی ترافیک را دارد یا خیر نیز به مهر گفت: خط شرقی – غربی اصفهان مصوبه شورای‌عالی ترافیک را دارد اما در اولویت نیست و بدیهی است که اگر قرار باشد تغییری در کار باشد موضوع را از طریق مراجع دنبال خواهیم کرد.

هزینه بالای بی‌توجهی به «نقش جهان»

درخصوص عبور مترو شرقی – غربی اصفهان که توجه بسیاری را به سمت و سوی خود جلب کرده است، محسن مصلحی، رییس سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان به مهر گفت: هر اندازه که به این موضوع توجه نکنیم هزینه بالایی را متحمل خواهیم شد و در واقع خود را با یک‌سری موارد چالشی روبه‌رو کرده‌ایم.

تغییرات سازه‌ای در اطراف تونل مترو

در این خصوص یک استاد دانشگاه و متخصص سازه و ژئوفیزیک معتقد است: تونل مترو یک سازه ژئومکانیکی و اندر کنشی است یعنی در واقع یک پوسته بتنی و استوانه‌ای‌شکل درون آب زیرزمینی و خاک پنهان می‌شود و روی خاک و زمین نیز بناهای معمولی و مهم قرار گرفته است. «عبدالعظیم شاه‌کرمی» معتقد است: در سه حالت حفاری، ساخت و بهره‌برداری از تونل مترو بارگذاری و تغییرات سازه‌ای در اطراف تونل ایجاد و از طریق آب زیرزمینی و خاک این تغییرات به صورت تغییر شکل و لرزش به بناهای روی زمین منتقل می‌شود که در واقع می‌توان از آن با عنوان همین نشست زمین یاد کرد.

در این خصوص معاون میراث فرهنگی کشور نیز به مهر گفت: باید تاکید کرد که خطر جدی است و اگر مدیریت شهری استراتژی خود را تغییر ندهد درخصوص میدان «نقش جهان» با مشکلی جدی روبه‌رو خواهیم شد. «مسعود علویان‌صدر» ادامه داد: انتظار می‌رود مسوولان شهری در اصفهان نظرات خود را در این خصوص اعلام کنند و در این خصوص تعیین موضوع شود. او با بیان اینکه این کار هنوز شروع نشده است، گفت: در صورتی که مدیریت شهری اصفهان و اعضای شورای شهر بر این تصمیم اصرار داشته باشند، شک نکنید میدان «نقش جهان» از فهرست ثبت جهانی خارج خواهد شد بنابراین از آنجا که در آستانه برگزاری اجلاس یونسکو هستیم، آنها هرچه سریع‌تر موضع خود را اصلاح و نیز مسیر قطار شهری را به‌طور رسمی اعلام کنند.

حفر چاه‌های عمیق و برداشت بی‌وقفه آب طی ۲۰سال بحران آب را رقم زده است

خشکسالی گلوی همسایگان پالایشگاه گاز «فجر جم» را می‌فشرد

مجید موذنی / بوشهر

عکس: مایر زمانی

«دشت ریز» در استان بوشهر و در همسایگی پالایشگاه گاز معروف «فجر جم» با مساحتی بالغ بر ۸۵۰ کیلومترمربع و بیش از ۱۲هزار نفر جمعیت، این روزها به سبب برداشت بی‌رویه آب با خطرات فراوانی مواجه است. خاکی که به لطف سفره‌های زیرزمینی آب شیرین همیشه لبخند بر لب کشاورزان این دیار می‌نشاند، اکنون در معرض تهدیداتی جدی است که ممکن است در آینده‌ای نه‌چندان دور صدمات جبران‌ناپذیری برای محیط زیست و مردم منطقه به بار بیاورد.

این روزها اگر به اداره آب شهرستان جم سری بزنی، یقینا کلمه‌های خشکسالی، کمبود و بیلان منفی آب را خواهی شنید. این در حالی است که در سال‌های اخیر پروژه‌های آب‌رسانی‌ای مثل انتقال آب از خط کوثر، برای رفع این مشکل به تصویب رسیده و در دست اجراست، با این وجود استان بوشهر و به‌خصوص حدفاصل عسلویه، کنگان، جم و ریز و مناطق اطراف آن، همچنان در معرض خشکسالی و بحران آب قرار دارند و با کمبود این منبع حیاتی دست به گریبانند.

در اواخر سال گذشته وزارت نیرو با صدور اطلاعیه‌ای توسعه بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی در دشت جم و ریز را ممنوع اعلام کرد. بر اساس این اطلاعیه بهره‌برداری بیش از حد از منابع آب و وقوع خشکسالی‌های اخیر باعث افت سطح آب زیرزمینی و کسری حجم مخزن در این دشت‌ها شده بود که به موجب آن حفر چاه عمیق، نیمه‌عمیق، احداث قنات یا هرگونه افزایش بهره‌برداری از منابع آب به مدت سه سال ممنوع شد. «شاپور رجایی» مدیرعامل آب منطقه‌ای استان بوشهر سال گذشته به «ایرنا» گفته بود: «هم‌اکنون دشت جم، ریز و همچنین دشت بوشکان از دشت‌های ممنوعه هستند که یک‌هزار و ۶۲۰ حلقه چاه در آنها فعال است. بیلان منفی آب بوشکان و جم سالانه هفت میلیون مترمکعب و ریز ۹/۵میلیون مترمکعب است.» در این میان دشت ریز در شرایط نگران‌کننده‌تری قرار دارد اما با این وجود مجوز برداشت آب از هفت حلقه چاه عمیق در دشت ریز جهت استفاده پالایشگاه گاز و همچنین برداشت آب از رودخانه ریز توسط منطقه عملیاتی «نار» پیش از این صادر شده بود. با استناد به آماری غیررسمی پالایشگاه گاز «فجر جم» سالانه حدود ۱۰میلیون مترمکعب آب نیاز دارد که به منظور تامین آب مصرفی خود و همچنین شهرک توحید (محل اسکان پرسنل پالایشگاه) اقدام به حفر چاه‌های عمیق در سطح شهرستان کرده که هفت حلقه از این چاه‌ها با ظرفیت‌های متغیر از ۱۰۸ تا ۱۸۰ مترمکعب بر ساعت و عمق بالای ۱۰۰متر در دشت ریز حفر شده‌اند. آب تامین‌شده از این چاه‌ها در مخازنی بزرگ با ظرفیتی تا سقف ۴۰هزارمترمکعب به منظور تصفیه و کلرزنی جمع‌آوری و سپس به پالایشگاه و شهرک توحید انتقال داده می‌شود. این موضوع باعث بروز نگرانی‌های جدی شده و ممکن است موجب نابودی کامل سفره‌های آب زیرزمینی این منطقه در دهه پیش‌رو شود.

علاوه بر این از سال ۵۴ تا دو سال قبل حدود ۲۰۰میلیون‌مترمکعب آب توسط شرکت‌های وابسته به صنایع نفت و گاز از سفره‌های زیرزمینی برداشت شده که تهدیداتی از جمله احتمال نشست زمین در منطقه جم و ریز و به‌خصوص مناطقی که تاسیسات نفت و گاز در آنجا مستقر است، وجود دارد و امکان خسارت به خود پالایشگاه نیز دور از انتظار نیست.

بحران آب اثرات منفی و هزینه‌های بسیاری بر دوش کشاورزان گذاشته است. از ۳۰سال قبل تاکنون باغات ریز با عبور از خشکسالی‌های مداوم و مواجهه با کمبود آب دستخوش تغییرات زیادی قرار گرفته‌اند. درخت لیمو یکی از قربانیان اصلی این ماجراست.

با استناد به شواهد تاریخی دشت جم و ریز مجموعا ۳۶۰ رشته قنات داشته است که عمر برخی از این قنات‌ها به ۱۵۰۰ سال قبل بازمی‌گردد، ولی در شرایط کنونی تنها نزدیک به صد رشته آن فعال است و سالانه حدود ۶۹میلیون‌مترمکعب آب از آنها برداشت می‌شود که ۳۰ درصد آن مربوط به مصارف صنعتی است. در ابتدای ورود صنعت به این منطقه بخش زیادی از این قنات‌ها به دلیل شهرک‌سازی و دیگر مسایل از بین رفت.

به گفته «عبدالنبی یوسفی» مدیر جهاد کشاورزی شهرستان جم سطح زیر کشت این شهرستان حدود ۱۰هزارهکتار است که شامل نخیلات، مرکبات و گوجه‌فرنگی به صورت عمده و همچنین زیتون، صیفی‌جات، غلات و غیره است. وجود ۵۰ گلخانه در سطح شهرستان، بیش از دو هزار هکتار نخل با عملکرد برداشت ۱۲تن در هر هکتار، ۱۵۰۰هکتار گوجه‌فرنگی با عملکرد برداشت ۶۰ تن در هر هکتار و همچنین سه‌هزارهکتار مرکبات با استحصالی بین ۱۸ تا ۲۵تن در هر هکتار، توانایی و ظرفیت بالای جامعه کشاورز این منطقه را به رخ می‌کشد. ۶۳ درصد اشتغال شهرستان در بخش کشاورزی است که نشان‌دهنده وابستگی اقتصادی و همچنین نقش پررنگ این فعالیت در زندگی مردم است.

در اوایل زمستان سال ۸۶ بزرگراه فیروزآباد- جم به منظور دسترسی آسان‌تر به پارس‌جنوبی و اتصال این قطب اقتصادی به مرکز کشور، با همکاری وزارت راه و ترابری و وزارت نفت به بهره‌برداری رسید. به لطف این بزرگراه که اعتبار هزینه‌شده آن حدود ۱۲۰۰میلیاردریال برآورد شده، دسترسی مردم جم و ریز به بندرسیراف سریع‌تر و راه اتصال به دریا نیز هموارتر شد. با این تفاصیل و همچنین به دلیل نزدیک بودن دریا به منطقه، تامین آب موردنیاز پالایشگاه از راه دریا یا حداقل تامین بخشی از آن نمی‌توانست ایده‌ای ناممکن و دور از ذهن باشد. در سال گذشته با پیگیری‌های وزارت نیرو و امور آب شهرستان حکم قضایی ممنوعیت برداشت آب و پلمپ تعدادی از چاه‌ها از جمله چاه‌های هفتگانه صادر شد که تا قبل از انتشار این گزارش به مرحله اجرا نرسیده است. به نقل از منبعی آگاه پس از صدور این حکم و با درخواست وزارت نفت، پالایشگاه گاز «فجر جم» طی اولتیماتومی متعهد شد که تا پایان سال ۹۱ آب موردنیاز خود را از دریا تامین کند. البته تردیدی نیست که صنعت نفت و گاز تاثیر بسزایی در پیشرفت این منطقه داشته و توسعه شهرستان از جنبه‌های مختلفی مرهون توسعه صنعت بوده است، اما با این وجود بر هیچ‌کس پوشیده نیست که وجود زباله‌های صنعتی، انتشار گازهای مختلف در هوا و همچنین برداشت مداوم آب در طول سال‌های متمادی تاثیر خود را بر محیط زیست منطقه وارد آورده و خسارت‌های زیادی بر جای گذاشته است. با بیان این مسایل از پالایشگاه انتظار می‌رود در حفظ محیط‌زیست و به‌خصوص منابع آبی منطقه تلاش بیشتری از خود نشان دهد و با همکاری در پروژه‌های سدسازی، آبخیزداری، ترمیم قنوات و غیره، گوشه‌ای از این خسارت‌ها را جبران کند.

نخل‌هایی که خشک می‌شوند

فصل بهار است اما اینجا مردم دارند کولرهایشان را برای استقبال از گرمای زودرس جنوب تمیز می‌کنند. اگر فقط چند دقیقه توی سایه نایستاده باشی، آفتاب تا مغز سرت راه پیدا می‌کند. به سرم می‌زند به نخلستان بروم، آنجا پر از سایه و خنکی و همین‌طور پر از خاطرات مردم این شهر است.

دارم درحاشیه یکی از باغ‌ها قدم می‌زنم، خیلی از باغ‌ها پارسال در آتش سوخت و این یکی هم از قاعده مستثنا نبوده، اما از ظاهرش پیداست که دوباره احیا شده و باغبان دست از درخت‌هایش نکشیده. «ماندنی» سال‌هاست که کارش همین است، مثل حالا که به بیلش تکیه داده و حین تماشای جوی آبی که تازه ساخته، دارد خستگی در می‌کند. سال‌های زیادی است که روزهایش را این‌طور شب کرده. سلام می‌کنم و دست می‌دهم. دست‌هایش چیزی از دلش کم ندارد، گرم گرم است. پیرمرد بوی خاک تازه می‌دهد. زیر یک درخت لیمو می‌نشینیم و من سکوت می‌کنم تا ماندنی برایم حرف بزند: «اول جوونیم بود که رفتم کویت واسه کار. اونجا فقط بنایی بود و منم محتاج پول، مدتی رو اونجا بودم و بعدش رفتم قطر. نمی‌تونستم خودم رو جایی بند کنم چون دلم جای دیگه بود. خدا بیامرز پدرم باغ داشت، باغبونی می‌کرد. منم تا ور دستش بودم همیشه کمک حالش می‌شدم. از بچگی با خاک و علف و نخل بودم. نتونستم بمونم، برگشتم ایران، پیش این درختا. زندگی من همینه، دلم به اینا خوشه. خدا رو شکر با پولی که از خرما و لیموی همین باغ درمیاد، تونستم بچه‌هام رو بزرگ کنم و به این روز برسونم، حالا هر کدوم‌شون شغلی دارن و خونه و زندگی تشکیل دادن.»

ماندنی حرفش را قطع می‌کند، بلند می‌شود و جایی لابه‌لای علف‌ها دنبال چیزی می‌گردد. پارچه سفید تاخورده‌ای با نقش گل و پرنده و درخت بیرون می‌آورد که نشان از خوش‌سلیقگی و نازک‌طبعی‌اش دارد. پارچه را جلو من پهن می‌کند و می‌رود توی کپرش بساط چای علَم می‌کند؛ استکان کمرباریک سوغات کویت و کتری مسی سیاه‌سوخته، قندان استیل و چای معطر هِل. ماندنی برایم چای می‌ریزد. دلم می‌خواهد زودتر حرف زدنش را از سر بگیرد، برای همین بهانه‌ای جور می‌کنم و از سختی‌های باغداری می‌پرسم:

«می‌بینی که، از یه طرف آتیش افتاد به جون درختا، از یه طرف خشکسالی. بی‌آبی دمار از روزگار درختا درآورده، دیگه چاه هم که نمی‌ذارن بزنیم، میگن ممنوعه. واسه کشاورز بدبخت ممنوعش می‌کنن واسه از ما بهترون آزاد. می‌گن تو این سال‌ها کشاورزا زیادی چاه زدن، دیگه جا نداره. پس کشاورز و باغدار چیکار کنن؟ من از وختی یادمه بیشتر مردم این حوالی کشاورزی می‌کردن و از این راه زندگی‌شون می‌چرخیده. اصلا اینا هیچی، این پالایشگاه زیر گوش ماست، کلی ماده مضر تو هوا پخش می‌کنه، همینا درختا رو نابود می‌کنه، مردمو مریض می‌کنه. بهمون که میگن طرح ملیه، عوضش چی گیر ما میاد؟ روزانه خدا تومن درآمد داره، یه سد نمی‌زنه واسه این منطقه که زمستونا آب جمع بشه مردم از قحطی تلف نشن.» گله‌های ماندنی مثل رگبار ذهنم را نشانه می‌رود. به لوله‌های خدا اینچی گاز فکر می‌کنم که از حاشیه این شهر رد می‌شوند و دیدن‌شان از نزدیک مو به تن آدم سیخ می‌کند. ماندنی دوباره گرم حرف می‌شود، تُن صدایش به دلم می‌نشیند. پیرمرد روضه‌خوان امام‌حسین است. هر سال محرم که می‌آید، بیل را گوشه کپر می‌گذارد و عزادار امام حسین (ع) می‌شود. خیلی‌ها با شنیدن صدایش انس گرفته‌اند. دل پری دارد باغبان پیر. «این باغ کنار دستی رو می‌بینی مثل بیابون شده؟ صاحبش رو ۳۰ساله که می‌شناسم، نونش از کشاورزی درمی‌اومد، اما بعد خشک شدن باغش مجبور شد تو سن ۷۰سالگی بره عسلویه کارگر و نظافت‌چی بشه. خدا رو خوش میاد به نظر شما؟ تازه یکی، دو تا که نیستن از این آدما، خیلیا به خاطر بی‌آبی باغشون رو ول کردن به امون خدا. منی که می‌بینی پدر جدم دراومده تا این چارتا نخلو سرپا نگه داشتم. از دل ما نپرس بابا جانم که خونه...»

«دشت ریز» کجاست

«در میان آخرین دیواره‌های جنوبی از رشته‌کوه‌های زاگرس واقع در استان بوشهر، دشتی محصور شده است که «ریز» نام دارد. ریز نامی کهن است که از واژه پهلوی «ریژ» گرفته شده است. این واژه به سرزمین یا سرزمینی در کنار رود یا دریاچه گفته می‌شود و همچنین به معنای آب، رود و دریاچه به‌کار رفته است. نام شهرهای تبریز، مهریز، تفلیس، بدلیس، کلمه کاریز و همچنین نام خالص ریز و ریگ، این واژه را به همین معنا به یادگار نگه داشته‌اند. به عقیده برخی از اساتید ادبیات فارسی کلمه و نام ریز با واژه‌های «رگا، ری، آریا و ایران» هم‌خانواده است و به معنای سرزمین پاک، نجیب و مقدس نیز به‌کار می‌رود.

این دشت از شمال به کوه «سرخان» و از جنوب به کوه «احمدسلمان» (بهرامشاه) منتهی می‌شود. رودخانه ریز - که در «فارسنامه ناصری» به همین نام آورده شده است - از چشمه «هفت‌چاه» سرچشمه می‌گیرد، از میان دشت گذشته و با گذر از مسیر طولانی در میان کوه‌ها سرانجام به رود مُند می‌پیوندد. در پی خشکسالی‌های پیاپی سال‌های اخیر از میزان آب رودخانه به طرز نگران‌کننده‌ای کاسته شده است. با این حال یکی از عوامل شکل‌دهنده حیات در این ناحیه که تاریخ ریز بستگی تام و تمامی با آن دارد، همین رود و شعب فصلی آن است. در پایین دست رود در منتهی‌علیه غربی دشت یکی از کمیاب‌ترین جاذبه‌های طبیعی جنوب ایران و استان بوشهر یعنی جنگل «گلوبردکان»، ساخته دستان مهربان همین آب است.

پالایشگاه

اگر کتاب جغرافیای سال دوم دبیرستان را به خاطر بیاورید، تصویر پشت جلد آخر کتاب مربوط به «پالایشگاه گاز فجر جم» است. این همان پالایشگاهی است که حفر چاه‌های عمیقش علت اصلی خشکسالی و پایین رفتن سفره‌های آب زیرزمینی دشت ریز شده است. این پالایشگاه از سال ۱۳۶۷ برای تصفیه گاز میدان‌های گازی نار و کنگان با میزان ذخیره تقریبی قابل استحصال ۷۲۰میلیاردمترمکعب گاز در منطقه جم و ریز در شرق استان بوشهر مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. این شرکت ابتدا با نام پالایشگاه گاز ولیعصر(عج) برای تصفیه گاز طبیعی با ظرفیت روزانه ۸۵میلیون‌مترمکعب طراحی شده بود که در سال ۱۳۷۹ با اجرای طرح افزایش ظرفیت پالایشگاه شامل بهینه‌سازی سیستم‌های تصفیه با تغییرات داخلی واحدهای عملیاتی ظرفیت تصفیه گاز به ۱۱۰میلیون‌مترمکعب در روز رسید. پس از انتقال گاز پارس‌جنوبی به پالایشگاه ظرفیت آن از سال ۸۹ به ۱۲۵میلیون‌مترمکعب افزایش یافته است. این شرکت تا سال ۱۳۸۴ مقام اول از لحاظ تامین گاز مصرفی کشور را داشته و از سال ۱۳۸۵ با تامین حدود ۲۵ الی ۳۰درصد از گاز مصرفی کشور رتبه دوم را داراست. در سال ۱۹۶۹ کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های اروپایی به نام EGOCO به صورت پیمانکار شرکت ملی نفت ایران عملیات لرزه‌نگاری را در نقاط جنوب شرقی بندر بوشهر آغاز کرد، پس از لرزه‌نگاری مقدمات حفر اولین چاه اکتشافی کنگان در فوریه ۱۹۷۲ شروع شد. در ماه می ۱۹۷۳ عملیات حفاری با موفقیت به پایان رسید و وجود میدان گازی کنگان معلوم شد. در تابستان ۱۹۷۴ عملیات حفر اولین چاه اکتشافی روی میدان نار شروع و در سال ۱۹۷۶ با حفر دو حلقه چاه دیگر جهت وسعت میدان مشخص شد. کشف این دو میدان گازی ایران را به عنوان دومین کشور دارنده گاز دنیا معرفی کرد. با گسترش این میدان‌ها فکر ایجاد خط لوله سراسری دوم به وجود آمد که می‌توانست صادرات گاز ایران را به بیش از دو برابر افزایش دهد. شرکت فرانسوی SEGIRAN مطالعه روی این میدان‌ها را ادامه داد تا اطلاعات تکمیل شود.

تاریخچه دشت ریز

بقایای پی بناها و خرده‌سفال‌های پراکنده در سطحی وسیع نشان می‌دهد که احتمالا زمانی شهر یا ناحیه مسکونی بزرگی در ریز کنونی و حومه وجود داشته است. گهگاه بر اثر شسته شدن خاک توسط سیلاب، بقایای آسیاب‌های آبی مدفون‌شده ظاهر یا در جریان شخم زدن زمین در باغ‌ها ظرف‌های سنگی بزرگی پیدا می‌شود. در مواردی نیز خمره‌های حاوی بقایای اجساد یافت شده است که قدمت حیات تمدنی این ناحیه را به پیش از اسلام و دوران‌های باستان می‌رساند. اینها همه نشان‌دهنده وجود حیات شکوفای یک جامعه کشاورز یکجانشین در گذشته‌های دور این منطقه است.

شاهد و روایتی در دست است که نشان می‌دهد بیش از هزار و ۳۰۰سال قبل این ناحیه پناهگاه برخی از علویان و شیعیانی بوده که از ستم حاکم عراق «حجاج ابن‌یوسف ثقفی» گریخته بودند. بر اساس این روایت در راه مال‌رو و قدیمی ریز به دوراهک تعدادی قبر وجود دارد که ازآن سربازان و ماموران وابسته به حجاج است. آن‌گونه که سینه به سینه نقل شده است این سربازان که در تعقیب چند نفر از علویان پا به این راه صعب گذاشته بودند، در این مکان از تشنگی هلاک می‌شوند. مسافران محلی که در قدیم از آنجا می‌گذشته‌اند، به این مکان نام قبرهای حجاج داده‌اند.

دشت ریز تا اواخر عهد «صفویه» آباد و پر رونق بوده است. شاهد این مدعا قبرستانی وسیع در اطراف روستای «حرمیک» است که از جمله سنگ‌های دیده‌شده در آن سنگی است که نام «صفی قلی فرزند پرویز» به تاریخ ۱۱۱۲ هجری‌قمری بر آن حک شده که مقارن با اوایل دوران «شاه‌سلطان‌حسین صفوی» است. اما هرج و مرج بعد از صفویان و ایام جانشینان نادر همچون بسیاری از نواحی ایران شکوفایی دشت ریز را به زوال و ویرانی کشاند.

بنا به شواهدی تاریخ دوران اخیر ریز از اواخر دوره زندیه آغاز می‌شود. در این دوره بر اثر عواملی همچون ناامنی گسترده و درگیری قدرت‌ها، مهاجرت‌های زیادی در جنوب ایران صورت می‌گیرد که از آن میان مهاجرانی از اقوام و مکان‌های مختلف در دشت ریز ساکن و با جمعیت بومی منطقه آمیخته می‌شوند. بخشی از بافت قومی ساکن این ناحیه از نسل همان مهاجران هستند که از نقاط مختلفی از جمله دشتی شولستان (ممسنی کنونی)، کوشک یا کوشکک در فارس، عشایر ترک، دشتستان و جاهای دیگر آمده‌اند. به این‌گونه حیات دشت ریز و آبادی‌های متروک‌مانده آن دوباره احیا می‌شود و قنات‌های کهن دوباره به جریان می‌افتد.

در برخی از نخستین شناسنامه‌ها از این ناحیه به نام «بلوک ریز» نام برده شده است. بلوک کلمه‌ای مغولی است که به معنای تقریبی یک ناحیه یا بخش کشاورزی و مالیاتی به‌کار رفته است. شروع کاربرد این عنوان در ایران به دوران سلطه مغول‌ها یعنی قرن هفتم و هشتم هجری بازمی‌گردد. پیش از آن تاریخ، از واژه فارسی میانه «تسوج» یا «طسوج» استفاده می‌شده است.

محصولات

حیات باغداری و کشاورزی این ناحیه به دلیل وجود آب شیرین از اهمیت زیادی برخوردار است. در گذشته‌های دور کشت خشخاش و برنج به‌خصوص در زمین‌های کنار رودخانه معمول بوده است، اما به دلیل حجم فراوان رسوبات سنگی ناشی از سیلاب‌های زمستانی و از بین‌رفتن زمین‌ها، کاشت این دو محصول کم‌کم منسوخ شد. ممنوعیت کشت خشخاش از سوی دولت در قرن اخیر نیز یکی از دلایل این امر بوده است. کشت ذرت نیز رواج زیادی داشت و قوت غالب اهالی را نان ذرت یا در اصطلاح محلی مردم «رگاک» تشکیل می‌داد. در سالیان اخیر گندم، جو، کنجد، تنباکو، پیاز و هندوانه نیز از محصولات معروف این منطقه بوده‌اند. نخل، در طبیعت و باغ‌های ریز سروری می‌کند. متاسفانه قسمت عمده‌ای از نخلستان ریز سال گذشته در آتش سوخت و خسارت زیادی به کشاورزان و محیط زیست منطقه وارد کرد. همچنین لیمو جزو محصولات اصلی این منطقه به شمار می‌آید. اما چه حیف که خشکسالی و کم‌آبی به جان همه این محصولات و باغ‌ها افتاده و مشغول خشک کردن‌شان است. هیچ‌کس هم کاری نمی‌کند.

سر ظهر است. ماندنی می‌رود سر حوض وضو بگیرد، من هم چرخی در باغ می‌زنم تا حالم عوض شود و بعد راهی خانه شوم. در مسیر برگشت، باغ‌های نیمه‌سوخته و خشک‌شده محاصره‌ام کرده‌اند. دیدن این درخت‌های بی‌جان ناخودآگاه شعری از «فریدون مشیری» را به خاطرم می‌آورد: «صحبت از پژمردن یک برگ نیست، وای! جنگل را بیابان می‌کنند...»

«دشت ریز» با مساحتی بالغ بر ۸۵۰ کیلومترمربع و بیش از ۱۲هزارنفر جمعیت
این روزها به سبب برداشت بی‌رویه آب با خطرات فراوانی مواجه است.
خاکی که به لطف سفره‌های زیرزمینی آب شیرین همیشه لبخند بر لب کشاورزان این دیار می‌نشاند، اکنون در معرض تهدیداتی جدی است

گزارش خبری

کشاورزی لرستان زیر بار خسارت ۳۵۰میلیاردی

بیمه محصولات کماکان در حاشیه

■ مهر: در حالی کشاورزی لرستان زیر بار خسارت ۳۵۰میلیارد تومانی خشکسالی و ریزگردها کمر خم کرده که کشاورزان نیز استقبال چندانی از بیمه محصولات کشاورزی نمی‌کنند. هجوم ریزگردهای عربی که با خشکسالی در استان لرستان همراه شده زمینه‌ساز تخریب جنگل‌ها و مراتع بام طبیعت ایران و ضربه بر پیکره اقتصادی این استان شده به طوری‌که بخش کشاورزی و دامپروری به عنوان پایه اقتصاد لرستان با مشکل جدی مواجه شده است.

استان لرستان با آب و هوای مناسب و رودهای پرآب و خاک حاصلخیز استعداد ویژه‌ای برای کشاورزی دارد و به همین دلیل پایه اصلی اقتصاد مردم این استان را کشاورزی تشکیل می‌دهد که روند هجوم ریزگردهای عربی همه معادلات در این بخش را به هم زده است.

قطب کشاورزی کشور در آستانه چالشی جدی

در حال حاضر این استان با داشتن بیش از ۸۴۸هزار هکتار اراضی کشاورزی، ۵۰هزار هکتار باغات مثمر، میزان بارندگی نرمال ۵۷۰ میلیمتر، میزان ۱۳/۵ میلیارد مترمکعب آب تولیدی و خروجی از استان در طول سال و بیش از ۶/۵میلیون راس دام سبک و سنگین یکی از قطب‌های مهم تولید در کشور است. همچنین این استان با دارا بودن ۶/۵میلیون واحد دامی در رده ششم کشور قرار گرفته و افزون بر آن در زمینه شاخص تراکم نیز رتبه اول را در کشور داراست که به عنوان یکی از مهم‌ترین قطب‌های دامپروری کشور استعداد و توانایی ایجاد فرآورده‌های لبنی، صنایع تبدیلی فرآورده‌های گوشتی و صنعت چرم و پوست را داراست. این در حالی است که با توجه به آمار و اطلاعات موجود، اراضی زیر کشت در استان حدود ۸۰۰هزار هکتار است که با وجود وفور آب و ۲۳ دشت که مرغوب‌ترین و حاصلخیزترین اراضی را شامل می‌شوند فقط حدود ۱۹۰هزار هکتار از این اراضی - حدود ۲۵درصد - به زیر کشت آبی رفته و مابقی به صورت دیم کشت می‌شود که علاوه بر خطراتی که در سال‌های اخیر خشکسالی دامنگیر کشاورزی استان کرده است ورود ریزگردها نیز به معضلی مضاعف تبدیل شده است.

کشاورزان رغبتی به بیمه محصولات خود ندارند

این در حالی است که با وجود استمرار خسارات خشکسالی در طول سال‌های اخیر و همچنین ریزگردهای عربی هنوز کشاورزان، باغداران و دامداران لرستانی رغبتی برای بیمه محصولات‌شان نشان نمی‌دهند. عدم استقبال کشاورزان و بهره‌برداری بخش کشاورزی از بیمه محصولات خود موجب چالشی جدی در این زمینه شده است به طوری‌که خسارات وارده در هر سال معیشت این قشر از جامعه را دچار تهدید جدی کرده است. «اسحاق طاهری‌مقدم» رییس سازمان جهاد کشاورزی لرستان در این رابطه با اشاره به اینکه در سال ۸۹ به دلیل خشکسالی در استان با کاهش ۱۹درصدی تولید گندم مواجه بودیم، اظهار داشت: در سال ۸۹ بیش از ۵۶هزار هکتار از اراضی کشاورزی به دلیل خشکسالی و تگرگ خسارت دیدند.

خسارت ۳۵۰میلیارد تومانی به بخش کشاورزی

وی با بیان اینکه در سال ۹۰ نیز ۵۳هزار هکتار از اراضی کشاورزی دچار خسارت شدند، یادآور شد: در سال زراعی گذشته میزان تولید گندم استان دومیلیون و ۸۹۴هزار تن بوده است. رییس سازمان جهاد کشاورزی استان لرستان تصریح کرد: در صورتی که با خشکسالی روبه‌رو نمی‌شدیم میزان تولید گندم در سال زراعی گذشته به بیش از سه‌میلیون تن می‌رسید.

طاهری‌مقدم با تاکید بر اینکه شهرهای کوهدشت، پلدختر، چگنی و جنوب خرم‌آباد از خشکسالی آسیب دیدند، ادامه داد: برآورد ما از خسارات بخش کشاورزی در کل استان بر اثر تگرگ، ریزگردها و خشکسالی ۳۵۰میلیارد تومان است. پنج تا ۱۰درصد این میزان خسارت مربوط به ریزگردها بوده است.

استقبال اندک کشاورزان و دامداران از صندوق بیمه

خسارت‌های واردشده به کشاورزان در اثر خشکسالی‌ها تنها از راه صندوق بیمه کشاورزی قابل پرداخت است و تنها کشاورزان بیمه‌شده می‌توانند خسارت‌های خود را از این طریق دریافت کنند. طاهری‌مقدم با تاکید بر اینکه در زمینه بیمه شدن کشاورزان باید خیلی کار کرد، اظهار داشت: تعداد بیمه‌شدگان در سال ۹۰ نسبت به سال ۸۹ افزایش ۱۰درصدی داشته است. بیمه باعث می‌شود که ریسک یک کشاورز کاهش یابد و کشاورز احساس امنیت کند.

استمرار خشکسالی‌ها در لرستان

طاهری‌مقدم همچنین با بیان اینکه بر اثر پدیده خشکسالی دبی آب‌های استان از جمله سراب‌ها و چشمه‌ها به شدت پایین آمده، گفت: در بیشتر مناطق استان به علت نبود آب بیشتر باغداران با مشکل مواجه هستند

وی از مسوولان خواست به صورت مقطعی هم که شده با بسیج ادارات دیگر در آبرسانی به باغات با سازمان جهاد کشاورزی استان نهایت همکاری را داشته باشند.

طاهری‌مقدم با اشاره به اینکه متوسط بارش‌ها در استان در سال زراعی جاری ۳۰۴/۴ میلی لیتر است، افزود: این میزان نسبت به سال زراعی قبل با کاهش ۱۷درصدی مواجه بوده و نسبت به دوره بلندمدت ۳۳درصد کاهش داشته است.

به هر رو بیمه محصولات کشاورزی در استان لرستان با توجه به روند مستمر سال‌های خشک و وضعیت بی‌پایان ریزگردهای عربی موضوعی است که نیازمند فرهنگ‌سازی برای استقبال کشاورزان و بهره‌برداران از بیمه محصولات کشاورزی از یک طرف و نگاه مثبت و تعامل صندوق بیمه با کشاورزان از طرف دیگر دارد.